

[بررسی زیاده بودن اضافه رکوع ایمائی 1](#_Toc87795553)

[بررسی کلام مبطلیت زیاده جزء مسانخ نماز 3](#_Toc87795554)

[مسئله 16: دوران أمر بین رکوع ایمائی در حال قیام، یا رکوع جلوسی 3](#_Toc87795555)

[قول مشهور: تعین رکوع جلوسی 4](#_Toc87795556)

[قول مقابل مشهور: تعین قیام با ایماء به رکوع 4](#_Toc87795557)

[مسئله 17: دوران أمر بین قیام نماز و انجام ایمائی رکوع و سجود و جلوس 4](#_Toc87795558)

[بررسی هر دو مسئله 5](#_Toc87795559)

[دلیل مشهور در مسئله 16 5](#_Toc87795560)

[دلیل غیر مشهور در مسئله 16 6](#_Toc87795561)

[بیان محقق خویی 6](#_Toc87795562)

[بیان محقق سیستانی 7](#_Toc87795563)

**موضوع**: ایماء به رکوع /قیام /صلاۀ

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته بحث از وظیفه مکلف مبنی بر گذاشتن مهر بر پیشانی در حال ایماء به سجود مطرح شد. مختار استاد در نهایت عدم وجوب وضع مهر بر پیشانی بود.سپس مسئله عنوان قصدی بودن یا نبودن ایماء مطرح شد.

## بررسی زیاده بودن اضافه رکوع ایمائی

عرض شد که در رکوع ایمایی زیاده غیر عمدیه مبطل نیست؛ چرا که عرفا رکوع ایمایی رکوع نیست و آنچه زیاده اش مبطل است رکوع عرفی است. اتفاقا در مسئله 5 از مسائل رکوع مرحوم سید وقتی زیاده رکوع جلوسی و ایمایی را مطرح می کند و ولو سهوا مبطل می داند[[1]](#footnote-1)، محقق خویی در شرح فرموده اند که ولو مشهور قائل بدین مطلب هستند و برخی ادعای اجماع کرده اند ولی مورد قبول ما نیست.[[2]](#footnote-2) درست است که ایماء الی الرکوع بدل است ولی دلیلی برای اینکه تمام احکام مبدل برای بدل ثابت شود نیست. اشکال نشود که این اشکال در رکوع جلوسی نیز می آید؛ زیرا رکوع جلوسی رکوع عرفی است برخلاف ایماء که عرفا رکوع نیست. یعنی مصداق طبیعی رکوع نیست.

محقق سیستانی نیز در تعلیقه عروه فرموده اند که زیاده رکوع ایمایی مبطل نیست که به نظر ما حاشیه خوبی است. بلکه بالاتر می گوییم: طبق مبنای محقق خویی که زیاده بودن را مشروط به قصد زیاده می داند، اگر ولو عمدا بدون قصد جزییت کسی ایماء الی الرکوع یا سجود کند، مبطل نیست؛ یعنی اتیان به فعلی که جزء نماز نیست اگر بدون قصد جزئیت باشد طبق نظر این بزرگان صدق زیاده نمی کند. اینکه در برخی از روایات در نهی از سجده تلاوت در نماز فرموده اند که سجود زیاده در مکتوبه است و به اولویت می گویند که ولو قصد جزیئت هم نداشته باشد زیاده است، در مورد رکوع و سجود عرفی صادق است ولی شامل ایماء نمی شود. لذا حق بود که محقق خویی حتی در مورد اتیان عمدی ایماء الی الرکوع در جایی که امر ندارد و قصد جزیئت نمی کند، عدم بطلان را مطرح می فرمودند؛ مثل جایی که شخص احتیاطا می گوید: با اینکه نظر مرجع من تعین رکوع جلوسی است، ولی در صدد احتیاط هستم و ایماء به سجود نیز می کنم؛ در این صورت با اینکه هم ایماء و هم رکوع سجودی انجام داده است، نمازش باطل نیست؛ چرا که قصد جزئیت در هر دو ندارد. مرحوم آیت الله خوانساری نیز در مسئله 16 که بحث در دوران امر بین قیام و انجام ایماءبه رکوع، یا نشستن و انجام رکوع جلوسی است، می فرماید: ممکن است گفته شود که یک نماز بخواند به صورتی که هم ایماء به رکوع کند و هم بنشیند و رکوع کند و قصد این است که ما هو رکوع فی علم الله را انجام دهد. عده ای از علماء می گویند که وظیفه رکوع نشسته است و یک عده می گویند وظیفه ایماء به رکوع است. برخی مثل شهید صدرمی گویند احتیاطا دو نماز بخوانید. محقق خوانساری می گوید که یک نماز بخواند اول ایماء کند و بعد بنشیند و رکوع کند به قصد اینکه هر کدام از دو رکوع مأمور به است انجام شده است. بنابراین قصد جزیئت در هر دو رکوع ندارد. یعنی اگر ایماء الی الرکوع رکوع نباشد و وظیفه مکلف نباشد قصد جزیئت در آن نکرده است. حال اینکه این فرمایش محقق خوانساری ایراد دارد یا ندارد بحث خواهد شد، ولی این نکته را عرض کردیم برای اینکه اگر بناء باشد ایماء الی الرکوع درجایی که مأمور به نیست زیاده مبطله باشد، این روش محقق خوانساری مشکل می شود؛ زیرا یکی از این دو زیاده مبطله می شود. لذا ما می گوییم طبق نظر جمعی از بزرگان، اصلا قصد جزئیت در ایماء به رکوع نکند و بگوید هر آنچه وظیفه ام است را انجام می دهم اگر وظیفه ایماء است ایماء و اگر نیست قصد ایماء ندارم، در این صورت نماز شخص مشکلی ندارد.

### بررسی کلام مبطلیت زیاده جزء مسانخ نماز

بلی، بنابر نظر کسانی که مانند محقق سیستانی می گویند جزء مسانخ نماز اگر همراه با قصد جزئیت نیز نباشد زیاده بر آن صادق است، در این صورت ایماء الی الرکوع جزء مسانخ است و حتی اگر قصد جزیئت نیز نشود، زیاده صدق می کند. بنابراین ما باید بحث را طبق مبناهای اختیار شده در بحث زیاده دنبال کرد؛ اگر مبنای محقق خویی مورد قبول باشد که زیاده را متقوم به قصد جزئیت می دانند، فقط در رکوع و سجود عرفی است که زیاده در مکتوبه می شوند و ایماء الی الرکوع و السجود دیگر رکوع عرفی نیست قصد زیاده هم نشده است، لذا زیاده تعبدیه در اینجا نمی آید. اما اگر مبنای محقق سیستانی را قبول کنیم که اتیان به جزء مسانخ ولو بدون قصد جزیئت عرفا مصداق زیاده باشد، در این صورت ایماء جزء مسانخ است و مصداق زیاده است. ایماء هر چه باشد أعم از ایماء به رأس یا غمض العین، جزء مسانخ است. البته به شرط اینکه قصد ایماء باشد، وگرنه اگر قصد ایماء نباشد صرف غمض العین زیاده نیست.

سوال: ترک سهوی ایماء مبطل است؟ بلی مبطل است چرا که وقتی رکوع اصلش اتیان نشود و بدلش نیز اتیان نشود نماز باطل است؛ چه اینکه می دانیم از ارکان اصلی یک نماز، رکوع است و ترک کلی رکوع موجب بطلان نماز است.

# مسئله 16: دوران أمر بین رکوع ایمائی در حال قیام، یا رکوع جلوسی

سید می فرماید:

«إذا تمكن من القيام لكن لم يتمكن من الركوع قائما جلس و ركع جالسا و إن لم يتمكن من الركوع و السجود صلى قائما و أومأ للركوع و السجود....»[[3]](#footnote-3)

در این مسئله فرض این است که تا قبل از رکوع مشکلی نیست، لکن مکلف قادر بر رکوع از قیام نیست، لذا یا باید رکوع جلوسی کند یا اینکه اگر بخواهد بایستد، چاره ای جز ایماء به رکوع ندارد. در سجود نیز مشکلی ندارد و قادر است انجام دهد. در دوران بین رکوع جلوسی و ایماء الی الرکوع در حال قیام، دو قول مطرح شده است:

## قول مشهور: تعین رکوع جلوسی

مشهور قائلند که شخص باید رکوع جلوسی را به جا آورد؛ چرا که در درجه اول وظیفه شخص رکوع عن قیام است، وقتی عاجز شد، درجه دوم نماز نشسته واجب است. یعنی رکوع از حالت نشسته را باید به جا آورد. بنابراین درجه دوم رکوع، رکوع جلوسی است. درجه سوم برای کسی که عاجز از رکوع قیامی و رکوع جلوسی است، رکوع ایمائی است.

## قول مقابل مشهور: تعین قیام با ایماء به رکوع

محقق سیستانی و برخی از شاگردان شهید صدر، مخالف کلام مشهور هستند. ایشان فرموده اند: بعد از درجه یک که نماز ایستاده با رکوع قیامی بود، درجه دوم نماز، نماز ایستاده با ایماء به رکوع است؛ چرا که هر دو مصداق نماز قائما هستند و تا زمانی که صلاۀ قائما ممکن است نوبت به صلاۀ جالسا نمی رسد. بنابراین نماز با رکوع جلوسی درجه سوم می شود. به عبارت دیگر محقق سیستانی می فرمایند رکوع جلوسی برای کسی است که از طبیعت نماز قیامی عاجز باشد در حالی که در فرض مزبور، شخص از طبیعت نماز قیامی عاجز نیست. شهید صدر در این مسئله احتیاط به خواندن دو نماز کرده اند؛ یعنی یک نماز با رکوع ایمایی و یک نماز با رکوع جلوسی به جا آورد.

قبل از ذکر مسئله 17 این نکته را تذکر دهیم که در این مسئله 16 غیر از محقق سیستانی و برخی شاگردان شهید صدر همه با مشهور موافقت کرده اند ولی محقق خویی در منهاج ص 161 مسئله 593 مانند محقق سیستانی فتوا داده اند. همینطور در مسئله دو از مسائل رکوع، در عروه می فرماید که شخص قائما نماز بخواند و رکوع را ایماء کند. محقق تبریزی نیز همچنین، در این مسئله رکوع جلوسی را مطرح فرموده اند و در مسئله دو از رکوع که همین مسئله تکرار می شود، نماز قیامی با ایماءرا مطرح کرده اند. اینکه عرض کردیم در این مسئله همه موافق سید هستند، منافات ندارد که برخی از این بزرگان در مسئله دو از مسائل رکوع، نظرشان بازگشته است و قیام با ایماء به رکوع را متعین دانسته اند.

# مسئله 17: دوران أمر بین قیام نماز و انجام ایمائی رکوع و سجود و جلوس

سید می فرماید:

«و دار أمره بين الصلاة قائما مومئا أو جالسا مع الركوع و السجود فالأحوط تكرار الصلاة و في الضيق يتخير بين الأمرين»[[4]](#footnote-4)

در این مسئله فرض این است که اگر شخص قیام کند دیگر متمکن از رکوع و سجود اختیاری نیست. یعنی یا از اول باید نماز نشسته بخواند و رکوع و سجود نشسته به جا آورد، یا اینکه از اول اگر نماز ایستاده شروع کند باید به رکوع و سجود ایماء کند. در مسئله قبل قیام اول نماز با چیزی منافات نداشت و در هر حال اول نماز قیام می کرد و وقتی که وقت رکوع می رسید دوران مطرح می شد. ولی در این مسئله از اول قیام برای نماز دچار مشکل است؛ یعنی اگر بایستد دیگر نمی تواند بنشیند و باید رکوع و سجود ایمائی به جا آورد. مثال معروف این است که یک مکانی است که سقفش مرتفع ولی تنگ است. اگر نماز بخواند باید ایماء کند ولی ایستادن ممکن است. یک مکان دیگری نیز هست که تنگ نیست و امکان رکوع و سجود وجود دارد، ولی سقفش پایین است و اگر آنجا بخواند باید بنشیند و رکوع و سجود در حال جلوس به جا آورد. صاحب حدائق ادعای اجماع یا شهرت می کند که وظیفه شخص نماز ایستاده است. یعنی همان کسانی که در مسئله 16 گفته اند رکوع جلوسی به جا آورده شود، در مسئله 17 فرموده اند شخص باید برود در مکانی نماز بخواند که سقفش مرتفع ولی مکان تنگ است و مجبور می شود رکوع و سجود ایمایی به جا آورده شود. این مسله 17 در مباحث مکان مصلی مطرح شده بود. برخی از فقهاء همان حرفی که آنجا زده اند را اینجا نیز مطرح کرده اند. مثلا سید در هر دو جا احتیاط را لازم می داند و سید سیستانی در هر دو جا نماز قیامی با ایماء را متعین می داند، یا محقق خویی در هر دو جا فرموده است که شخص مخیر است. ولی برخی از بزرگان مثل محقق نایینی و امام خمینی مختلف صحبت کرده اند. یعنی تعلیقه های این دو بزرگوار در دو مسئله متفاوت است.

### بررسی هر دو مسئله

در مسئله 16 مشکل رکوع است یعنی قیام و جلوس مشکلی ندارد، فقط در رکوع شخص نمی داند که رکوع جلوسی و یا ایمائی کند.

#### دلیل مشهور در مسئله 16

مشهور می گویند رکوع جلوسی رکوع عرفی است و مقدم بر ایماء الی الرکوع است که اصلا رکوع عرفی حساب نمی شود؛ یعنی ایماء الی الرکوع در حق کسی است که عاجز از رکوع عرفی باشد ولی فرض این است که شخص قادر بر رکوع عرفی است، لذا باید بنشیند و رکوع کند. صاحب جواهر اشکالی به این نظر مشهور می کنند که شما که رکوع جلوسی را مقدم می دانید، دچار اختلال به رکن می شوید که همان قیام متصل به رکوع است. چه مرجحی دارد که قیام متصل به رکوع به هم بخورد و رکوع جلوسی اختیار شود؟ اگر ایستاده ایماء به رکوع کنید قیام متصل به رکوع حفظ می شود.

به نظر ما این بیان ایراد دارد؛ زیرا دلیل اعتبار قیام متصل به رکوع آنقدر اطلاق ندارد که حتی اینجا را نیز که شخص قادر بر رکوع نیست شامل شود. بنابراین وجه قول به تعین رکوع جلوسی مشخص شد. محصل آن این است که وظیفه اولیه شخص رکوع عرفی از قیام است، وقتی عاجز این نوع رکوع باشد، طبق اطلاق یجب الرکوع باید رکوع عرفی به جا آورده شود و ایماء بدل اضطراری برای کسی بود که متمکن از طبیعی رکوع نباشد در حالی که در فرض مزبور شخص متمکن از طبیعی رکوع به صورت جلوسی است.

#### دلیل غیر مشهور در مسئله 16

حال به بیان وجه کلام مخالفین مشهور مانند محقق سیستانی در مسئله 16 یا مانند محقق خویی و تبریزی در مسئله 2 از مسائل رکوع، می پردازیم که قائل به تعین قیام همراه با ایماء الی الرکوع شده بودند.

#### بیان محقق خویی

محقق خویی می فرماید: رکوع جلوسی اصلا جایز نیست؛ زیرا رکوع جلوسی برای کسی است که عاجز از قیام باشد در حالی که شخص در فرض مزبور قادر بر قیام است؛ لذا وظیفه اش قیام است، وقتی نمی تواند رکوع عن قیام کند، نوبت به بدل اضطراری می رسد که ایماء است. بنابراین در نظر این بزرگان ایماء درجه دوم است و رکوع جلوسی درجه سوم است. عبارت ایشان چنین است:

«أنّه لو تمكّن من الصلاة عن قيام كما هو محل الكلام، و لم يتمكّن من الركوع القيامي فليست وظيفته إلّا الإيماء إليه، و لا ينتقل إلى الركوع الجلوسي، فإنّه وظيفة العاجز عن القيام الّذي يصلِّي عن جلوس و المفروض في المقام أنّه يصلِّي عن قيام لقدرته عليه. فظهر أنّ‌ الأقوى في هذه الصورة أيضاً هو الإيماء»[[5]](#footnote-5)

محقق تبریزی با اینکه در تنقیح مبانی العروه جلد 3 ذیل این مسئله 16 می فرمودند:

«لاینبغی التأمل فی انتقال الوظیفۀ الی الرکوع جالسا...»[[6]](#footnote-6)

ولی در جلد 4 در مسائل رکوع فرموده اند:

«و ممّا ذكرنا يظهر أنه لو دار الأمر بين أن يصلي قائما بالإيماء للركوع لعدم تمكّنه من الانحناء أصلا أو يصلي قائما و يركع جالسا يتعين أن يصلي قائما بالايماء»[[7]](#footnote-7)

عرض ما این است که باید با نگاه به أدله نظرات را بیان کنیم. در دلیل نداریم که کسی که نمی تواند رکوع عن قیام کند ایماء کند. بلی در مورد عریان داریم که «یصلی مومیا» ولی آن شخص در هر حال ایماء می کند، أعم از اینکه بنشیند یا بایستد. بنابراین اینکه این بزرگان می گویند دلیل مشروعیت ایماء عجز از رکوع عن قیام است، باید این دلیل آورده شود. اطلاق دلیل قیام می گوید ولو اینکه دلیل بر وجوب مطلق ایماء پیدا نکردیم، اذا قوی فلیقم حال که وظیفه ما ایستادن است به تناسب این نماز ایستاده نمی توانیم رکوع عن قیام کنیم و مجبور هستیم ایماء به رکوع کنیم. اشکال این فرمایش این است که از یک طرف دیگر دلیل می گوید یا ایها الذین آمنوا ارکعوا، آن دلیل وجوب رکوع نیز باید دیده شود. ایماء به رکوع عرفا رکوع نیست، ولی رکوع جلوسی عرفا رکوع است. علاوه بر اینکه باید بحث شود که این شخص که تاکنون ایستاده است، فقط وقتی رکوع می رود نشسته است، و کاری که منافات با «إذا قوی فلیقم» باشد انجام نداده است. روایت اذا قوی فلیقم که نمی گفت هنگامی که رکوع می رود نیز باید ایستاده باشد، بلکه صرفا اصل قیام را بیان می کرد. شخص وقتی اصل قیام را رعایت کرده و فقط موقع رکوع می نشیند، با اذا قوی فلیقم مخالفت نکرده است.

دقت شود که قیام متصل به رکوع نیز که در بیان صاحب جواهر مطرح شده بود، دلیل ندارد، مگر بر کسی که رکوع عن قیام بر او واجب باشد.

##### بیان محقق سیستانی

محقق سیستانی تلاش کرده تا بفرماید ادله ای که می گوید اگر می توانید نماز ایستاده بخوانید و نمی توانید نماز نشسته بخوانید، اطلاق دارد و شامل عاجز از رکوع قیامی نیز می شود. لذا او هم موظف است تا نماز ایستاده بخواند. اگر کسی با ایماء به رکوع اصل ایستادن را می تواند محقق کند باید بایستد، تنها در صورتی جایز است بنشیند که نتواند قیام کند، در حالی که در فرض بحث، شخص می تواند قیام کند و فقط رکوع عن قیام را نمی تواند. ان شاءالله در جلسه آینده به بررسی فرمایشات ایشان خواهیم پرداخت.

1. . العروۀ الوثقی، ص 667. (أعلام العصر). « زيادة الركوع الجلوسي و الإيمائي مبطلة و لو سهوا كنقيصته». [↑](#footnote-ref-1)
2. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج15، ص39.](http://lib.eshia.ir/71334/15/39/اشکال)« أمّا بالنسبة إلى الايمائي فالمشهور أنّه كذلك، بل عن غير واحد دعوى الإجماع عليه، استناداً إلى سراية أحكام المبدل إلى البدل. لكنّه كما ترى، فإنّ‌ البدلية لا تستدعي إلّا تنزيل البدل منزلة المبدل في وجوب الإتيان به، و لا نظر في دليلها إلى بقية الأحكام كي يقتضي سرايتها إليه. و عليه فان تمّ‌ الإجماع على الإلحاق و لم يتم فهو، و إلّا ففي الحكم بالبطلان إشكال». [↑](#footnote-ref-2)
3. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی(أعلام العصر)، ج1، ص638.](http://lib.eshia.ir/10028/1/638/قائما) [↑](#footnote-ref-3)
4. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی(أعلام العصر)، ج1، ص638.](http://lib.eshia.ir/10028/1/638/قائما) [↑](#footnote-ref-4)
5. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج15، ص32.](http://lib.eshia.ir/71334/15/32/المقام) [↑](#footnote-ref-5)
6. . تنقیح مباني العروة (الصلاة)، جلد: ۳، صفحه: ۱۸۸. [↑](#footnote-ref-6)
7. . تنقیح مباني العروة (الصلاة)، جلد: 4 ص 30. [↑](#footnote-ref-7)